

دو شعر از آرش جودکی

۱

تن هیس
نفس خیس

پیدا در معادله‌ی دقیقِ کابوس
حنجره به لحظه‌ی محتوم
تاریک
در تارهای ناپیدا

آبهای شماتهدار هی کیش می‌کنند شاهِ کلاغ را

۲

خط کشیده در بستر
سرمشق
ناپایدار و پدیدار
مخروط خوابهایی دوّار
خط می‌خورد مدام و
خط می‌زند مدام
در دایره‌های کور
امیدوار

حلزونی که می‌رود در خود
خود را نمی‌برد